



## امام موسی بن جعفر

**کلیدواژه:** امام موسی بن جعفر.  
**پرسش:** چکیده‌ای از زندگی‌نامه، فرزندان و نوه‌های امام موسی کاظم - علیه‌السلام - را برایم بیان کنید.  
**پاسخ:** بیان زندگی امام کاظم علیه‌السلام، فرزندان و... نیاز به تدوین چندین جلد کتاب دارد. کتاب‌های زیادی درباره زندگی امام موسی بن جعفر علیه‌السلام نوشته شده است. در اینجا به صورت خیلی فشرده و مختصر به موضوع مورد سؤال می‌پردازیم:

### فهرست مندرجات

- ۱ - امام کاظم
  - ۱.۱ - اسم
  - ۱.۲ - ولادت
  - ۱.۳ - شهادت
  - ۱.۴ - مقبره
    - ۱.۴.۱ - سخنی از شیخ مفید
  - ۱.۵ - نام مادر
  - ۱.۵.۱ - دیدگاه ابن شهر آشوب
  - ۱.۶ - القاب
  - ۱.۷ - کنیه
- ۲ - امامت
  - ۲.۱ - دیدگاه ابن صباغ مالکی
  - ۲.۲ - دیدگاه شیخ مفید
    - ۲.۲.۱ - اول
    - ۲.۲.۲ - دوم
    - ۲.۲.۳ - سوم
- ۳ - خلفا
  - ۳.۱ - ا. منصور دوانیقی
  - ۳.۲ - ب. مهدی عباسی
  - ۳.۳ - ج. هادی عباسی
    - ۳.۳.۱ - سخنی از مسعودی
    - ۳.۳.۲ - واقعه فح
    - ۳.۳.۳ - سخن امام به حسین بن علی
  - ۳.۴ - د. هارون الرشید
- ۴ - موضع‌گیری امام کاظم در مقابل هارون الرشید
  - ۴.۱ - نمونه‌هایی از برخورد امام با هارون
    - ۴.۱.۱ - هارون الرشید و تظاهر
    - ۴.۱.۲ - ترسیم حد و مرز «فدک» از انتساب به پیامبر اکرم
    - ۴.۱.۳ - اثبات نسبت با رسول اکرم
- ۵ - علم و اخلاق
  - ۵.۱ - روایتی از ابوحنیفه
    - ۵.۱.۱ - حالت‌های گناه
  - ۵.۲ - روایتی از ابوالفرج اصفهانی
    - ۵.۲.۱ - روایتی دیگر
  - ۵.۳ - عبادت‌های امام
  - ۵.۴ - دعاها
  - ۵.۵ - رسیدگی به فقرا
- ۶ - فرزندان و نوه‌های امام کاظم
  - ۶.۱ - اسامی فرزندان پسر
  - ۶.۲ - اسامی فرزندان دختر
- ۷ - پانویس
- ۸ - منبع

**اسم** شریف آن حضرت، موسی پسر جعفر، پسر مجدباقر، پسر علی (زین‌العابدین)، پسر حسین، پسر علی، پسر ابوطالب - علیه‌السلام - است. [۱]

#### ← ولادت

امام - علیه‌السلام - در تاریخ یکشنبه هفتم صفر سال ۱۲۸ هجری در روستای «ابواء» [۲] [۳] بین مکه و مدینه به دنیا آمد و بنابر قول مشهور [۴] [۵] [۶]

#### ← شهادت

در سال ۱۸۳ [۷] [۸] [۹] [۱۰] هجری در زندان هارون الرشید، مسموم و به شهادت رسید.

#### ← مقبره

در ضلع غربی بغداد در مقبره‌ی معروف به مقابر قریش به خاک سپرده شد. [۱۱] البته اکنون نام آن مکان کاظمین است.

#### ← سخنی از شیخ مفید

شیخ مفید می‌گوید: این مقبره در گذشته محل دفن بنی‌هاشم و سران قبایل و اشراف بود. [۱۲]

#### ← نام مادر

مادر امام کاظم علیه‌السلام حمیده بربریه نام دارد. [۱۳] [۱۴] [۱۵] همچنین به او حمیده مصفاة گفته شده است، [۱۶]

#### ← دیدگاه ابن شهر آشوب

ولی ابن شهر آشوب، حمیده مصفاة را دختر صاعد بربری با کنیه «لؤلؤ» مادر موسی بن جعفر - علیه‌السلام - می‌داند. [۱۷]

#### ← القاب

عبدصالح، کاظم، [۱۸] صابر [۱۹] و امین [۲۰] [۲۱] از القاب آن حضرت است که کاظم از مشهورترین آن می‌باشد. [۲۲] [۲۳]

#### ← کنیه

شیخ مفید می‌گوید: ابابراهیم، ابوالحسن و ابا علی از کنیه‌های حضرت است. [۲۴] برخی نیز، ابوالحسن اول، ابابراهیم، [۲۵] و ابواسماعیل [۲۶] را به‌عنوان کنیه‌های حضرتش ذکر می‌کنند.

#### امامت

در نزد شیعه دوازده امامی معروف و مسلم است که یکی از راه‌های تشخیص و اثبات امامت هر امامی، تصریح امام پیشین، همچنین سؤالها و امتحاناتی که انسان‌های عادی از عهده آن بر نمی‌آیند، است. خوش‌بختانه درباره‌ی امامت موسی بن جعفر - علیه‌السلام - روایات فراوانی وجود دارد که امامت آن حضرت را اثبات می‌کند.

#### ← دیدگاه ابن صباغ مالکی

ابن صباغ مالکی می‌گوید: عبدالاعلی از فیض بن مختار نقل می‌کند که خدمت امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: دست مرا بگیر و از آتش جهنم نجاتم بده و بفرما امام بعد از شما کیست؟ در این هنگام موسی بن جعفر - علیه‌السلام - وارد شد؛ درحالی‌که هنوز نوجوان بود. امام صادق - علیه‌السلام - فرمود: «این (اشاره به موسی بن جعفر) امام شماست، پس به او بگوید». [۲۷]

#### ← دیدگاه شیخ مفید

شیخ مفید در این‌باره می‌گوید: موسی بن جعفر - علیه‌السلام - امام بعد از پدر بزرگوارش است و مقدم بر تمام فرزندان امام صادق - علیه‌السلام - است؛ زیرا:

#### ← اول

تمام فضایل و خوبی‌ها در او جمع است؛

#### ← دوم

نصوص صحیح و معتبر با صراحت درباره‌ی او وارد شده است؛

#### ← سوم

پدر بزرگوارش صراحتاً فرمود: او ولیعهد و امام بعد از من است. [۲۸] [۲۹] [۳۰]

#### خلفا

شروع امامت و ولایت امام کاظم - علیه‌السلام - هم‌زمان با استقرار و ثبات خلافت عباسی‌ها بود. امام - علیه‌السلام - در برهه‌ای به امامت رسید که ظالم‌ترین و جبارترین حاکمان بر مسند حکومت بودند. دولت و حکومت آنها از نظر داخلی در آرامش بود و هیچ مخالفت و درگیری داخلی وجود نداشت. این ثبات و آرامش باعث شد تا حاکمان و زمامداران نتوانند به راحتی بر مخالفان خود تسلط پیدا کنند و اعمال، رفتار و حرکات آنان را زیر نظر داشته باشند. تعدادی از حکام و سلاطین ظالم و ستمگر عباسی دوره‌ی امام کاظم علیه‌السلام، عبارتند از:

← **أ. منصور دوانیقی** [۳۱] [۳۲] [۳۳] وی دومین حاکم دولت عباسی بعد از برادرش ابوعباس سفاح است. [۳۴] وی به بُخل و حسادت معروف بود و به همین جهت لقب دوانقی به وی دادند. [۳۵] [۳۶]

← **ب. مهدی عباسی** [۳۷] [۳۸] [۳۹]

تمایل بیش از حد به لهو و لعب، زن و ... از معروف‌ترین خصایص این خلیفه‌ی عباسی بود. [۴۰] شدت علاقه‌ی وی به این‌گونه مسائل باعث آن شد که پسرش ابراهیم رئیس آوازخوان‌ها و خواننده‌ها و دخترش علیه جزو گروه خواننده‌ها، نوازنده‌ها و رقص‌های بغداد شود.

← **ج. هادی عباسی** [۴۱] [۴۲] [۴۳]

وی در سن ۲۵ سالگی به حکومت رسید، [۴۴] درحالی‌که مخالف سرسخت و دشمن اهل بیت علیهم‌السلام و حاکم شرور بود؛ چنان‌که شرارت از سر و رویش می‌بارید. زندگی‌اش سراسر غرور و تکبر و ناپختگی و بی‌تجربگی جوانی بود. دوره‌ی حکومت او از دوران‌های سخت اهل بیت - علیهم‌السلام - و شیعیان بود. [۴۵]

#### ← سخنی از مسعودی

مسعودی مورخ مشهور در کتاب «مروج‌الذهب» درباره‌ی هادی عباسی می‌گوید: «... قسی القلب، بداخلاق و زشت‌خوی بود». [۴۶]

#### ← واقعه فح

شروع قیام‌ها و نهضت‌ها به رهبری بنی‌هاشم و علوی‌ها در زمان خلافت هادی عباسی بود. واقعه‌ی «فح» به رهبری حسین بن علی یکی از قیام‌های معروف آن دوره است. [۴۷]

این نهضت مورد تأیید امام کاظم - علیه‌السلام - بود؛ به‌گونه‌ای که امام - علیه‌السلام - رهبری این قیام (حسین بن علی) را به شهادت بشارت داد و او را

سفارش به تقویت، مقاوت و صبر کرد.

#### ← سخن امام به حسین بن علی

آن حضرت به وی چنین فرمود: «تو کشته می‌شوی، خوب جنگ کن؛ زیرا قوم و لشکری که در مقابل تو است، از فاسقان‌اند...» [۴۸] و این موضع امام علیه‌السلام، قیام فح را در ردیف سالم‌ترین قیام‌های علویان بر ضد عباسیان قرار می‌دهد. [۴۹]

#### ← د. هارون الرشید

[۵۰] [۵۱] [۵۲]

وی در ثروت‌اندوزی، اسراف، داشتن حرم‌سرا، زنان آوازخوان و رقاص معروف بود. [۵۳]

نسبت به انمه و سادات بنی‌هاشم نهایت خصومت و دشمنی را روا می‌داشت و در از بین بردن آنها تلاش می‌کرد. [۵۴]

زندانی نمودن موسی بن جعفر - علیه‌السلام - بارها و بارها و شهادت آن حضرت در زندان به دست سندی بن شاهک نمونه‌ای از این دشمنی‌هاست. [۵۵]

#### موضوع‌گیری امام کاظم در مقابل هارون الرشید

با آن‌که هارون مشهور به زورگویی، جباریت، قساوت قلب و دشمنی - به‌ویژه با علوی‌ها - بود، در عین حال در تاریخ شاهدیم که امام کاظم - علیه‌السلام - هیچ اهمیتی برای هارون قائل نبود و هیچ ترس و هراسی از وی نداشت و در مقابل هارون در نهایت عزت و شجاعت می‌ایستاد و در راستای مسئولیتش کوچک‌ترین عقب‌نشینی و وضعی از خود نشان نمی‌داد. تاریخ شاهد این مدعاست.

#### ← نمونه‌هایی از برخورد امام با هارون

در این‌جا به نمونه‌هایی از این برخورد امام - علیه‌السلام - در مقابل هارون الرشید می‌پردازیم:

#### ← هارون الرشید و تظاهر انتساب به پیامبر اکرم

خطیب بغدادی در کتاب تاریخ خود نقل می‌کند که:

هارون الرشید به حج و به زیارت مرقد پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - آمد. عده‌ای از قریبش و سران قبایل و نیز موسی بن جعفر - علیه‌السلام - با وی همراه بودند. چون هارون به مزار پیامبر رسید گفت: سلام بر تو ای رسول خدا! ای پسر عمویم! وی می‌خواست با این عبارت به اطرافیان فخر بفرماید. در این هنگام موسی بن جعفر - علیه‌السلام - به فبر پیامبر نزدیک شد و گفت: «سلام بر تو ای پدر!» چهره‌ی رشید دگرگون شد و گفت: ای ابوالحسن! افتخار حقیقی همین است. [۵۶] [۵۷]

#### ← ترسیم حد و مرز «فدک» از جانب امام کاظم

«کان الرشید یقول لموسی الکاظم بن جعفر: یا ابا الحسن خذ فدک حتی أردھا علیک، فیأبی، حتی ألع علیہ فقال: لا آخذھا إلا بحدودھا، قال: و ما حدودھا؟ قال: یا امیرالمؤمنین أن حدتها لم تردھا، قال: بحق جدک إلا فعلت، قال: أما الحد الأول فعدن، فتغیر وجه الرشید و قال: هیه، قال: و الحد الثانی سمرقند، فأرید وجهه، قال: و الحد الثالث أفریقیة، فأسود وجهه و قال: هیه، قال: و الرابع سیف البحر مما یلی الخزر و أرمینیة، قال الرشید: فلم یبق لنا شیء فتحول فی مجلسی؛ قال موسی: قد أعلمتک أنى أن حدتها لم تردھا فعند ذلک عزم علی قتله».

زمخشری می‌گوید: هارون الرشید به امام موسی بن جعفر - علیه‌السلام - عرض کرد: یا ابوالحسن! حد و مرز فدک را مشخص کن تا آن را به شما برگردانم. حضرت از این کار آبا کرد، تا این‌که هارون اصرار ورزید؛ آن‌گاه امام - علیه‌السلام - فرمود: «من حد و مرز واقعی آن را مشخص می‌کنم. اگر این کار را بکنم تو آن را بر نمی‌گردانی!» هارون گفت: مگر حدود آن کجاست! به حق جدت مشخص کن. پس امام - علیه‌السلام - فرمود: «مرز اولش تا عدن است». در این هنگام رنگ هارون تغییر کرد، گفت: ادامه بده فرمود: «مرز دومش سمرقند است»، با شنیدن این حرف چهره‌اش تاریک شد. امام - علیه‌السلام - فرمود: «مرز سومش آفریقا است»، رنگش سیاه شد، گفت: ادامه بده. امام فرمود: «مرز چهارمیش تا خزر و ارمینستان است». این‌جا بود که هارون گفت: بفرما جای من بنشین! بنابراین چیزی برای ما باقی نمی‌ماند! امام - علیه‌السلام - فرمود: «به تو گفتم اگر حد فدک را مشخص کنم، تو آن را به ما باز پس نمی‌دهی. از این‌جا بود که هارون تصمیم به قتل حضرت گرفت». [۵۸]

#### ← اثبات نسبت با رسول اکرم

نقل کرده‌اند روزی هارون الرشید از امام کاظم - علیه‌السلام - پرسید: چگونه شما می‌گویید فرزندان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله هستید؛ درحالی‌که فرزندان علی - علیه‌السلام - هستید. همانا مرد از طرف پدر منسوب به جد می‌شود، نه از طرف مادر. امام - علیه‌السلام - در جواب، این آیه مبارکه را قرائت فرمود: «... و از فرزندان او، داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را (هدایت کردیم) این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم! و (هم‌چنین) زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را همه از صالحان بودند». [۵۹] درحالی‌که برای حضرت عیسی علیه‌السلام پدری نیست، همانا وی از طرف مادر به انبیا منتسب شد. این‌گونه ما ملحق به فرزندان پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - می‌شویم از طرف مادرمان حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها. هم‌چنین خدای متعال فرمود: «هرگاه بعد از علم و دانشی که (درباره‌ی مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را، ما خودمان را و شما خودتان را (کسانی را که مانند جان ماست) فرا خوانیم، آن‌گاه می‌بایست که لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم». [۶۰] پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - هنگام میاهله‌ی با نصاری هیچ‌کس را دعوت نکرد، مگر علی، فاطمه و حسن و حسین - علیه‌السلام - پس حسنین فرزندان پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - هستند. [۶۱]

#### علم و اخلاق

درباره‌ی گستره‌ی علم امام کاظم - علیه‌السلام - در علوم مختلف و فضایل اخلاقی و معنوی آن حضرت، روایات فراوانی وجود دارد. چگونه آن حضرت جامع علوم مختلف و دارای کمالات و فضایل اخلاقی و معنوی نباشد، درحالی‌که در خانه نبوت، معدن رسالت و مهبط ملائکه پرورش یافته است. در این‌جا به سه نمونه از روایات اشاره می‌کنیم:

#### ← روایتی از ابوحنیفه

ابوحنیفه می‌گوید: در زمان امام صادق - علیه‌السلام - به حج رفته بودم، زمانی که وارد مدینه شدم، به منزل آن حضرت رفتم. در دهلیر (دم در) به انتظار نشستم تا حضرت اجازه ورود دهد، در این هنگام پسر بچه‌ای از منزل خارج شد، از او پرسیدم، دستشویی کجاست؟ گفت صبر کن، سپس به دیوار تکیه داد و نشست و گفت: «بپرهیز از این‌که در کنار جوی آب، زیر درختان میوه، حیاط مساجد، در مسیر راه‌ها، ادرار و قضا حاجت کنی. برو پشت دیوار، از پشت به قبله و رو به قبله نشستن بپرهیز...». ابوحنیفه می‌گوید: از شنیدن این سخنان از این بچه به تعجب آمدم، از او پرسیدم نامت چیست؟ گفت: من موسی بن جعفر - علیه‌السلام - هستم. از او پرسیدم: ای جوان! گناه و معصیت چیست؟ در پاسخ گفت: «برای گناه و معصیت سه حالت تصور می‌شود:

#### ← حالت‌های گناه

۱. این‌که گناه از طرف خداوند باشد، نه از جانب بنده، در این صورت، سزاوار نیست که خداوند بنده را عذاب کند به چیزی که مرتکب نشده است.
۲. این‌که گناه از طرف خدا و بنده مشترکاً باشد، در این صورت، هم سزاوار نیست که شریک قوی نسبت به شریک ضعیف ظلم کند.
۳. این‌که گناه از سوی بنده باشد که درست این است. در این صورت، اگر خداوند بر بنده ببخشاید، نشانه جود و کرم اوست و اگر عقاب کند، به سبب گناه عبد و نافرمانی بنده است.»

ابوحنیفه می‌گوید: پس گفتم: «آنها فرزندان و (دودمانی) بودند که (از نظر پاک‌ی و تقوا و فضیلت)، بعضی از بعض دیگر گرفته شده بودند». [۶۲] [۶۳]

علما در فنون مختلف علم و دانش از آن حضرت فراوان حدیث نقل کرده‌اند که متون دینی ما مملو از این علوم است. [۶۴]

#### ← روایتی از ابوالفرج اصفهانی

ابوالفرج اصفهانی می‌گوید: یحیی بن حسن برایم نقل کرد: موسی بن جعفر - علیه‌السلام - این‌گونه بود که اگر به آن حضرت خبر می‌رسید که مردی با آن حضرت خوب نیست و پشت سرش بدگویی می‌کند، برایش کیسه‌ای پر از دینار می‌فرستاد و کیسه‌اش بین دو بیست تا سیصد دینار در آن وجود داشت، این کار حضرت ضرب المثل شده بود.

## ← روایتی دیگر

همو می‌گوید: یکی از نوه‌های خلیفه‌ی دوم هنگامی که موسی بن جعفر - علیه‌السلام - را می‌دید، شروع می‌کرد به دشنام دادن **حضرت علی علیه‌السلام** و بدرفتاری با موسی بن جعفر علیه‌السلام، بعضی از شیعیان به حضرت گفتند اجازه بده تا او را بکشیم، امام - علیه‌السلام - فرمود: نه؛ روزی حضرت درحالی‌که بر مرکب سوار بود، وارد مزرعه‌ی این شخص شد، آن شخص صدا زد، زراعت و محصول مرا از بین بردی! حضرت به او اعتنا نیکرد، همچنان می‌رفت تا این‌که به نزدیک او رسید، پیاده شد، در کنارش نشست و شروع کرد با او به صحبت و شوخی کردن و گفت: غرامت محصولت چه قدر است؟ آن مرد گفت: صد درهم، امام فرمود: چه قدر سود آن می‌شود؟ گفت: نمی‌دانم، حضرت - علیه‌السلام - فرمود: من پرسیدم چه قدر حدس می‌زنی؟ گفت: صد درهم دیگر، امام - علیه‌السلام - سبیدم درهم به او داد. پس آن شخص از جا برخاست و سر حضرت را بوسید. از این به بعد هر وقت امام وارد **مسجد** می‌شد، آن مرد از جایش بلند می‌شد، بر حضرت **سلام** می‌داد و می‌گفت: «اللّٰهُ اعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ». امام - علیه‌السلام - به شیعیانش که خواهان کشتن آن شخص بودند، فرمود: کدامیک از این دو کار بهتر بود، آن‌که شما می‌خواستید، یا این کاری که من انجام دادم؟! [۶۵]

## ← عبادت‌های امام

امام کاظم - علیه‌السلام - در انجام عبادات مستحبی و نافله‌ی شب به گونه‌ای بود که نافله‌ی شب را به نماز صبح متصل می‌کرد. پس از نماز صبح تعقیباتش تا طلوع صبح به درازا می‌کشید، در حال **سجده** و **دعا** بود تا نزدیک طلوع خورشید.

## ← دعاهای

آن حضرت فراوان این دعا را می‌خواند: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ»؛ بار خدایا! آسودگی و راحتی به هنگام **مرگ** و **عفو** و گذشت هنگام حساب را از تو درخواست می‌کنم. یکی از دعاهایش این بود: «عَظَمَ الذُّبُّ مِنْ عَبْدِكَ قَلْبِي حَسْبُنِ الْعَفْوَ مِنْ عَيْدِكَ»؛ گناه بنده‌ات بزرگ است، پس باید **گذشت** و عفو تو نیز نیکو باشد. از **ترس خداوند** چنان **گریه** می‌کرد که ریش مبارکش از اشک خیس می‌شد. [۶۶]

## ← رسیدگی به فقرا

امام کاظم - علیه‌السلام - در انجام **صله رحم** سرآمد بود. شب‌ها از فقرای مدینه سرکشی می‌کرد، برای آنان **پول**، **نان** و خرما می‌برد؛ درحالی‌که مردم متوجه حضرتش نمی‌شدند و نمی‌دانستند این پول و **غذا** از طرف موسی بن جعفر است. [۶۷]

## فرزندان و نوه‌های امام کاظم

همان‌گونه که در ابتدای این نوشتار بیان شد، درباره‌ی **زندگی** امام کاظم علیه‌السلام، فرزندان و ... نیاز به تدوین چندین جلد کتاب است؛ ولی در این‌جا فقط اسامی پسران و دختران آن حضرت را بیان می‌کنیم و بیش از این را حواله می‌دهیم به کتاب‌های انساب.

## ← اسامی فرزندان پسر

بنا بر مشهور؛ حضرت موسی بن جعفر - علیه‌السلام - سی و هفت فرزند از دختر و پسر داشتند؛ **حضرت رضا علیه‌السلام**، **ابراهیم**، عباس و قاسم هرکدام مادرهای جداگانه‌ای داشتند. احمد، **مجد**، حمزه مادرشان امرولد بودند. **اسماعیل**، جعفر، هارون، و حسن هم مادرشان ام ولد بودند. عبدالله، اسحاق، عبیدالله، زید، حسن، فضل، سلیمان هر یک از مادری بودند.

## ← اسامی فرزندان دختر

فاطمه کبری، فاطمه صغری، رقیه، حکیمه، ام ابیها، رقیه صغری، کلثم، ام‌جعفر، لبانه، **زینب**، خدیجه، علیه، آمنه، حسنه، بُریهه، **عایشه**، امرسلمه، میمونه، **ام‌کلثوم**، این افراد هم هرکدام از مادری بودند. [۶۸] [۶۹] [۷۰] [۷۱] [۷۲]

بعضی دیگر از مورخان، اسامی دیگری را به این اسامی اضافه کرده‌اند که به جهت اختصار از ذکر آنها صرف نظر می‌کنیم.

## پانویس

- ↑ ابن طولون، شمس‌الدین مجد، الأئمة الاثنا عشر، ص ۸۹، منشورات الرضی، قم، بی‌تا.
- ↑ شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۲۱۵، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- ↑ طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۶، مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- ↑ برخی نیز شهادت آن حضرت را در سال ۱۸۱ هجری دانسته‌اند: (به نقل از: امین عاملی، سید محسن، أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۵، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۰۳ق).
- ↑ برخی نیز شهادت آن حضرت را در سال ۱۸۶ هجری دانسته‌اند: (کاشفی سبزواری، ملا حسین، روضة الشهداء، ص ۵۱۴، نوید اسلام، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۲ش).
- ↑ برخی نیز شهادت آن حضرت را در سال ۱۸۸ هجری دانسته‌اند: (به نقل از: امین عاملی، سید محسن، أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۵، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۰۳ق).
- ↑ شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۲۱۵، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- ↑ طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۶، مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- ↑ محدث اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۷۴۷، منشورات الرضی، قم، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
- ↑ عماد الطبری، حسن بن علی، تحفة الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار (ع)، ص ۱۶۸، میراث مکتوب، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
- ↑ ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل‌ابی‌طالب، ج ۲، ص ۴۲۸، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ق.
- ↑ شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۲۳۳، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- ↑ شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۲۱۵، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- ↑ طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۶، مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- ↑ حسینی عاملی، سید تاج‌الدین، التتمة فی تاریخ الأئمة (ع)، ص ۱۰۶، مؤسسه بعثت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- ↑ طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۶، مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- ↑ ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل‌ابی‌طالب، ج ۲، ص ۴۲۷، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ق.
- ↑ شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۲۱۵، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- ↑ ابن ابی‌نخل بغدادی، تاریخ أهل‌البیت، ص ۱۲۱، آل‌البیت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- ↑ ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل‌ابی‌طالب، ج ۲، ص ۴۲۷، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ق.
- ↑ شافعی، مجد بن طلحه، مطالب السؤل فی مناقب آل‌الرسول، ص ۲۸۹، البلاغ، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- ↑ حسینی عاملی، سید تاج‌الدین، التتمة فی تاریخ الأئمة (ع)، ص ۱۰۵، مؤسسه بعثت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- ↑ شافعی، مجد بن طلحه، مطالب السؤل فی مناقب آل‌الرسول، ص ۲۸۹، البلاغ، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- ↑ شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۲۱۵، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- ↑ ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل‌ابی‌طالب، ج ۲، ص ۴۲۷، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ق.
- ↑ قرشی، باقر شریف، حياة الإمام موسی بن جعفر (ع)، ج ۱، ص ۴۹، دارالبلاغ، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- ↑ قرشی، باقر شریف، حياة الإمام موسی بن جعفر (ع)، ج ۱، ص ۹۳۳، دارالبلاغ، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- ↑ شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۲۱۶، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، الکافی، محقق و مصحح: غفاری، علی‌اکبر، آخوندی، مجد، ج ۱، ص ۲۰۷، ۲۱۱، دارالکتب الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷؛ (برای آگاهی از نصوصی که درباره‌ی امامت موسی بن جعفر (ع) آمده).
- ↑ شیخ حر عاملی، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۴، ص ۲۱۶ - ۲۲۲، علمى، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
- ↑ ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل‌ابی‌طالب، ج ۲، ص ۴۲۷، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ق.
- ↑ طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۶، مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- ↑ طبری، مجد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة، ص ۲۰۵، بعثت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.

۲۴. ↑ منهاج سراج، قاضی ابو عمرو عثمان، طبقات ناصری (تاریخ ایران و اسلام)، تحقیق: حبیبی، عبدالحی، ج ۱، ص ۱۰۹، دنیای کتاب، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳ ش.
۲۵. ↑ خواند میر، غیث‌الدین بن همام‌الدین، تاریخ حبیب‌السیر، ج ۲، ص ۲۰۷، انتشارات خیام، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۰ ش.
۲۶. ↑ بلعمی، ابوعلی، تاریخ‌نامه طبری، محقق و مصحح: روشن، مجد، ج ۴، ص ۱۰۷۳، سروش، البرز، تهران، چاپ دوم، چاپ سوم، ۱۳۷۲ و ۱۳۷۸ ش.
۲۷. ↑ ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۲، ص ۴۲۷، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ ق.
۲۸. ↑ طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۶، مؤسسه آل‌البتیت (ع)، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
۲۹. ↑ طبری، مجد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة، ص ۳۰۵، بعثت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۳۰. ↑ قرشی، باقر شریف، حیاة الإمام موسی بن جعفر (ع)، ج ۱، ص ۴۲۵ - ۴۴۶، دارالبلاغه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۳۱. ↑ ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۲، ص ۴۲۷، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ ق.
۳۲. ↑ طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۶، مؤسسه آل‌البتیت (ع)، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
۳۳. ↑ طبری، مجد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة، ص ۳۰۶، بعثت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۳۴. ↑ طبری، مجد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة، ص ۳۰۶، بعثت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۳۵. ↑ قرشی، باقر شریف، حیاة الإمام موسی بن جعفر (ع)، ج ۱، ص ۴۵۷ - ۴۵۹، دارالبلاغه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۳۶. ↑ مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجوهر، تحقیق: داغر، اسعد، ج ۲، ص ۳۲۵، دارالهجرة، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
۳۷. ↑ ابن اثیر جزری، الكامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۹۰، دارالصادر، بیروت، ۱۳۸۵ ش.
۳۸. ↑ ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین، مقاتل الطالبیین، تحقیق: صفر، سید احمد، ص ۲۷۶، دارالمعرفة، بیروت، بی‌تا.
۳۹. ↑ جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی ائمه، ص ۲۸۹، انصاریان، قم، چاپ ششم، ۱۳۸۱ ش.
۵۰. ↑ ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۲، ص ۴۲۷، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ ق.
۵۱. ↑ طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۶، مؤسسه آل‌البتیت (ع)، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
۵۲. ↑ طبری، مجد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة، ص ۳۰۶، بعثت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۵۳. ↑ قرشی، باقر شریف، حیاة الإمام موسی بن جعفر (ع)، ج ۲، ص ۲۱، دارالبلاغه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۵۴. ↑ قرشی، باقر شریف، حیاة الإمام موسی بن جعفر (ع)، ج ۲، ص ۲۵، دارالبلاغه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۵۵. ↑ شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۲۳۱ - ۲۳۲، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۵۶. ↑ طبری، مجد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة، ص ۳۵، بعثت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۵۷. ↑ ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق: عطا، مجد عبدالقادر، عطا، مصطفی عبدالقادر، ج ۹، ص ۸۸، دارالکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۵۸. ↑ زمخشری، محمود، ربیع الابرار، باب البلاد و الدیار و الابنیه و ما يتصل بها من ذکر العمارة و الخراب و حب الوطن، ج ۱، ص ۲۶۰.
۵۹. ↑ انعام (۶) آیه ۸۴.
۶۰. ↑ آل‌عمران (۳)، آیه ۶۱.
۶۱. ↑ ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة فی معرفة الأئمة (ع)، ج ۲، ص ۹۵۰، دارالحديث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۶۲. ↑ آل‌عمران (۳)، آیه ۲۴.
۶۳. ↑ ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۲، ص ۲۱۴، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ ق.
۶۴. ↑ طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، محقق و مصحح: خراسان، مجدباقر، ج ۲، ص ۲۸۵ - ۲۹۵، نشر مرتضی، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
۶۵. ↑ ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین، مقاتل الطالبیین، تحقیق: صفر، سید احمد، ص ۴۱۳ و ۴۱۴، دارالمعرفة، بیروت، بی‌تا.
۶۶. ↑ شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۲۳۱، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۶۷. ↑ شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۲۳۱ و ۲۳۲، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۶۸. ↑ شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۲۴۴، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۶۹. ↑ طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۲۶، مؤسسه آل‌البتیت (ع)، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
۷۰. ↑ ابن حاتم شامی، جمال‌الدین یوسف، الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم، ص ۶۷۲ و ۶۷۴، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۷۱. ↑ عمادالدین طبری، حسن بن علی، مناقب الطاهرين، ج ۲، ص ۷۳۳، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
۷۲. ↑ شیعی سبزواری، حسن بن حسین، راحة الأرواح در شرح زندگانی، فضائل و معجزات ائمه اطهار (ع)، ص ۲۰۹، اهل قلم، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.

## منبع

پایگاه اسلام کوئست.

رده‌های این صفحه : تاریخ معصومان | امام کاظم | اهل بیت امام کاظم | فرزندان امام کاظم